

در جوامع شهری با تضادها و مسائلی همچون فقر، بیکاری و بی عدالتی در جنبه‌های گوناگون و کمبود مسکن و... روبه‌رو هستیم و با توجه به نسبی بودن و تفاوت آنها در جوامع گوناگون، می‌توان ریشه این مشکلات را در اقتصاد سیاسی جامعه و اندیشه حاکم بر آن بررسی کرد؛ زیرا اندیشه حاکم از همه جهات می‌تواند بر جوامع اثر گذار باشد و توزیع ثروت و قدرت و حتی علم و اندیشه در جوامع متأثر از ایدئولوژی‌ای است که از پشت صحنه هدایتگر کارها است. بر سر هم، ساختار هر جامعه و به تبع از آن جامعه شهری، نمایانگر اندیشه حاکم بر آن جامعه است. از این رو لازم به نظر می‌رسد که ایدئولوژی و اندیشه‌هایی که در برهه‌هایی از زمان بر بخش‌هایی از جهان چیره بوده و اثری در سراسر جهان داشته و هنوز هم تا اندازه‌ای دارد، مورد بررسی قرار گیرد.

در این نوشتار بر آنیم تا با بررسی منابع موجود، به بررسی اندیشه لیبرال‌ها پیردازیم و ببینیم لیبرال‌ها از چه هنگام پا به پهنه وجود گذاشته‌اند، چه افکار و نظریاتی داشته‌اند و آثار این افکار و نظریات و نکات مثبت و منفی آنها بر ساختار شهر و برنامه‌ریزی شهری چه بوده است؛ زیرا در پرتو آگاهی از اندیشه‌های دیگران، مسیر حرکت به سوی آینده با خطای کمتری همراه خواهد بود.

اثر لیبرالیسم بر فضای شهری

پیشگفتار

کمتر بررسی شده است. در آغاز این نوشتار اشاره‌ای کوتاه به اثری که انسان بر محیط زندگی خود می‌گذارد می‌شود و سپس به لیبرالیسم می‌پردازیم.

۱- اثر انسان بر فضای شهری

شهرنشینی و گسترش شهرها یکی از عوامل مهم دگرگونی محیط بوده و همین عامل است که نیاز فزاینده به سرزمین برای آمایش منابع طبیعی و تولیدات خوراکی را سبب می‌شود.

فشرده‌گی و تراکم چشمگیر جمعیت در نواحی شهری، مسأله نگهداری و باروری و غنی‌سازی زمین و طبیعت و مناطق شهری را بار دیگر مطرح می‌سازد. (آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۴)

گسترش گنج‌کننده فضاهای شهری، مشکلات فزاینده‌ای در زمینه بهره‌گیری‌های گوناگون از فضا پدید آورده است، افزون بر آسیب‌هایی که گسترش شهر به محیط زیست می‌زند، تحقق این گسترش نیازمند ایجاد ساختار زیربنایی پرهزینه و مدیریتی دقیق است؛ بویژه هنگامی که گسترش شهری بی‌نظم و قاعده‌باشد. (بونفو، ۱۳۷۵، صص ۹۷-۹۶)

اما در همان حال، انسان هم عامل و هم قربانی محیط زیست است؛ توسعه فرهنگی که بیشتر در

شهرهای امروزی با مسایل و مشکلات بسیار دست به گریبان و در زمینه‌های گوناگون دچار کاستی هستند؛ از تراکم جمعیت در مراکز شهر تا سکونت در حلیه‌های حاشیه شهرها که کمترین امکانات و خدمات شهری را دارند. ریشه مشکل در کجاست؟ آیا ساکنان شهرها مقصّر اصلی‌اند یا مشکل از جای دیگری برمی‌خیزد؟ با نگاهی ژرف به مسأله می‌توان گفت که دولت‌ها (که امروز در همه کارها دخالت می‌کنند) مسئول تأمین رفاه شهروندان هستند و هر دولت از ایدئولوژی و اندیشه‌هایی که به آن پایبند است اثر می‌پذیرد. پس می‌توان گفت که بیشتر مسائل شهری ناشی از ایدئولوژی‌های حاکم بر دولت‌ها است.

هدف از این پژوهش شناخت ایدئولوژی چیره بر گوشه‌ای از جهان است که هر چند در برهه‌ای از زمان بر کشورهای انگشت‌شمار سایه افکن بوده، ولی آثار آن رفته رفته در سراسر جهان نمود یافته است.

در این زمینه کتابها و مقالات بسیار چه در کشورهای دارای این ایدئولوژی و چه دیگر کشورها که از آن اثر پذیرفته‌اند، نوشته شده است ولی بیشتر این نوشته‌ها درباره‌ی وجوه فلسفی لیبرالیسم بوده و آثار لیبرالیسم بر فضای شهری

دکتر مسعود تقی‌زایی

دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان

زهتاب سروری

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا

برنامه‌ریزی شهری

سده ۱۸ آغاز شده و تا ۱۸۵۰ وجه اقتصادی لیبرالیسم از وجه فلسفی آن جدا نبوده است. (http://web.inter.nl.net/users/Paul.Treanor/neoliberalism.html p3)

۳- سیر دگرگونی لیبرالیسم از کلاسیک تا لیبرالیسم نو

لیبرالیسم در وجه فلسفی، اقتصادی و سیاسی اش (در مقام یک جهان بینی) با تحولات و فرازونشیبهای جامعه مدرن، دستخوش تحول و فراز و فرود شده و هماهنگ با ضرورت‌های تبیین و توجیه مبانی نظری و مقتضیات علمی سرمایه و نظام مدرن، گونه‌های بسیار یافته است. با وجود بنیادهای نظری جهان گستر آدامشانه، فردگرایانه، برابری خواهانه و سودجویانه لیبرالیسم، این اندیشه از دید علمی با سه دوره از تحول نظام سرمایه‌داری مدرن همپوشی داشته است: دوره لیبرالیسم کلاسیک (مرحله آغازین رشد سرمایه‌داری، تجارت و انباشت سرمایه)؛ دوره لیبرالیسم اجتماعی (مرحله انقلاب صنعتی و گسترش مناسبات سرمایه‌داری صنعتی و مبادلات کالایی)؛ و دوره لیبرالیسم نو (مرحله جهانی شدن سرمایه).

۱-۳ لیبرالیسم کلاسیک

لیبرالیسم کلاسیک (از سده هفده تا نیمه سده نوزده) با رشد سرمایه‌داری تجاری و انباشت ثروت و سرمایه همراه شد. لیبرالیسم در آن دوران شعار آزادی (آزادی از که و آزادی از چه؟) را به گونه سلبی و بی‌قید و شرط، به معنای نفی هر گونه مانع بیرونی در راه آزادی فرد برگزید و با تکیه بر حقوق طبیعی، از حق فرد در داشتن ثروت و مالکیت نامحدود و رقابت سودجویانه دفاع کرد. از این دیدگاه، وظیفه دولت در برابر جامعه مدنی و بازار آزاد اقتصادی تنها به تضمین امنیت پویایی آزاد اقتصادی فرد و پاسداشت حق مالکیت او محدود می‌شد و به کمترین اندازه کاهش می‌یافت. در لیبرالیسم کلاسیک دو مورد بیش از دیگر مولود نمود داشت: یکی طبقه بورژوا که جایگزین اشراف و نجبا و حاکمیت کلیسا شده بود و با بهره‌گیری نابجا از مفهوم آزادی به استثمار قشر کارگر

جوامع رو به پیشرفت پدیدار می‌شود، این جوامع را به اجرای سیاستهایی تشویق می‌کند که به کاهش آثار زیانبار صنعت و حمل و نقل بینجامد. اگر همه اقشار جامعه از سطح فرهنگ بالایی برخوردار باشند، میزان آسیب‌پذیری محیط زیست کمتر خواهد بود. (تومه، ۱۳۷۸، ص ۱۲۴)

دگرگونی طبیعت که ناشی از فعالیت‌های انسان در چند دهه گذشته است رفته رفته شکل گرفته است. هرچه دگرگونی پرشتاب‌تر باشد، اثرش ژرفتر است. بسیاری از ویژگیهای محیط طبیعی با خطر روبه‌روست. بی‌گمان رابطه انسان با طبیعت دگرگون می‌شود، اما آنچه اکنون ضرورت دارد دگرگونی هدفمند و تنظیم شده بر پایه برنامه‌ای سنجیده و سرچشمه گرفته از آرمانهای والای انسانی است؛ (مجموعه مقالات تکنولوژی و بحران محیط زیست، ۱۳۶۴، ص ۱۳۴) یعنی انسان باید به گونه‌ای متعادل از طبیعت بهره‌جوید، سبب نابودی زیست بوم نشود و در این راه از تکنولوژی پیشرفته نیز کمک بگیرد.

بی‌گمان تکنولوژی نمی‌تواند یک گونه حیوانی منقرض شده یا سرزمینی را که در آن جاده‌سازی شده است به حالت نخست برگرداند، ولی می‌تواند بهره‌گیری از منابع را با بهبود بخشیدن، کاربرد منطقی یا دوباره‌سازی آنها گسترش دهد. (میلر، ۱۳۷۴، صص ۱-۶)

۲- خاستگاه‌های لیبرالیسم

نخستین سرچشمه‌های لیبرالیسم، در مقام یک جنبش، در دوران رنسانس و اصلاح طلبی پروتستانی و در انقلاب علمی جوشید. اما آنچه با سربرآوردن لیبرالیسم پیوند نزدیک داشت، انقلاب علمی در سده‌های ۱۶ و ۱۷ بود. انقلاب علمی روشن ساخت که جهان دستگاهی است که قوانینی کلی، خودکار و تغییرناپذیر آن را می‌گردانند؛ قوانینی که بی‌خطا و اشتباه بوده و یکتااخت عمل می‌کنند؛ و چنین بود که روش علمی کشف حقیقت به الگویی برای لیبرالیسم تبدیل شد. (شاپرو، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳)

لیبرالیسم فلسفه‌ای است اجتماعی که از

● گسترش گیج‌کننده فضاها، شهرها، مشکلات فزاینده‌ای در زمینه بهره‌گیری‌های گوناگون از فضا پدید آورده است، افزون بر آسیب‌هایی که گسترش شهر به محیط زیست می‌زند، تحقق این گسترش نیازمند ایجاد ساختار زیربنایی پرهزینه و مدیریتی دقیق است؛ بویژه هنگامی که گسترش شهر بی‌نظم و قاعده‌باشد.

ناهماهنگ شد و لیبرالهای نسل دوم را به بازنگری در اندیشه‌هایشان واداشت. مهمترین چالش، بر سر مفهوم «آزادی» بود. لیبرالهای کلاسیک به مفهوم سلبی آزادی (بی‌مناغ و بی‌پذیرش مسئولیت اجتماعی) باور داشتند که به گسترش نابرابری اجتماعی و اقتصادی انجامیده و لیبرالیسم را از جهت نظری از آرمانهای اخلاقی مورد ادعایش دور ساخته بود.

لیبرالیسم در واکنش مثبت به ضرورت‌های برآمده از رشد روابط صنعتی در جامعه مدرن، از نیمه سده نوزدهم، بازسازی شد. در این بازسازی، شعارهای دموکراتیک، برابری خواهانه و عدالت‌جویانه، با تأکید بر مفهوم مثبت آزادی و مسئولیت اجتماعی فرد، درونمایه گفتمان لیبرالیسم اجتماعی (سوسیال لیبرالیسم) شد.

در سالهای پایانی سده نوزدهم و سالهای آغازین سده بیستم، با گذار سرمایه‌داری صنعتی از مرحله رقابت به مرحله تمرکز انحصار و نیز تشکّل اجتماعی نیروی کار در قالب اتحادیه‌های فراگیر کاری، فکر لزوم دخالت دولت در پهنه‌های اقتصادی و اجتماعی برای رویارویی با بحرانهای ناشی از رکود تولید و تداوم بخشیدن به فرایند افزایش نرخ سود و انباشت سرمایه و تضمین باز تولید نظام سرمایه‌داری رواج یافت.

۳-۳ لیبرالیسم نو

از دهه ۱۹۷۰ با بروز انقلاب در زمینه تکنولوژیهای ارتباطی، امکان انتقال سریعتر اطلاعات و یافته‌ها به سراسر جهان، گسترش و تقویت جامعه مدنی جهانی و ظهور شهروند آگاه جهانی، پدید آمد. افزون بر این، از دهه ۱۹۷۰، با آغاز رکود تورمی پس از چند دهه رشد اقتصاد رفاهی در جوامع سرمایه‌داری، کارکرد اقتصادی لیبرالیسم اجتماعی و سرمایه‌داری دولتی بعنوان عامل رکود و کاهش کارایی و بازدهی اقتصادی و نوآوری در تولید، به باد انتقاد گرفته شد و دخالت دولت در پهنه‌های اقتصادی و اجتماعی، مالکیت و مدیریت اقتصادی دولتی بر واحدهای تولیدی، برنامهریزی متمرکز اقتصادی و اجرای سیاستهای اجتماعی رفاهی به منظور تأمین برابری و عدالت

می‌پرداخت و سبب افزایش شکاف طبقاتی می‌شد (ر.ک. مکنزی و دیگران، ۱۳۷۵). جنبش انقلابی بورژوازی از همان آغاز دربرگیرنده عناصری غیرانسانی بوده است؛ اگر نگوییم عناصر غیرانسانی بر دیگر جنبه‌های آن چیرگی داشته است: شهوت، دشمنی ورزی، به کار گرفتن خرد و منطق در خدمت منافع مادی، تقدیس بهره‌وری اقتصادی و بر سر هم پایین آوردن شأن هستی بشری در سایه حساسگری و سودجویی. («هور کهایمر - آدرنو، دو اندیشمند اروپایی» (۱۹۳۶) در مجله تعلیمات اجتماعی، ص ۱۶۱ تا ص ۲۴۴) تناقض نظریه و واقعیت در جامعه لیبرال - بر اثر تضاد میان افزایش سریع نیروهای مولد و فقر و نکبت توده‌ها - شدت یافت. به روشنی دیده می‌شد که این نظام با وجود افزایش سریع ثروت، دیگر نمی‌تواند برای همه مردمان زندگی مناسبی در شأن انسان فراهم کند. ساعات کار زیاد بود و دستمزدها کم. (نکوروج، ۱۳۷۲، صص ۲۴۴-۱۶۱)

وجه دیگر لیبرالیسم کلاسیک در دوران روشنگری پدید آمد. پیام عصر روشنگری، بهره‌گیری کامل و تجربی از خرد انسان بود. الهیات، علم اقتصاد، علم سیاست، قانون و فلسفه، سخت از این جریان اثرپذیرفت. از دیدد کمارت، هیچ چیز پذیرفتنی نبود مگر آنکه خرد انسان آنرا دفاع‌پذیر بداند. آثار دوران روشنگری در بیشتر جوامع به چشم می‌خورد. (وینسنت، ۱۳۷۸، صص ۴۶-۴۵)

۳-۲ لیبرالیسم اجتماعی (سوسیال لیبرالیسم) با بروز ناهنجاریها و مشکلات در دوران لیبرالیسم کلاسیک، لیبرالها در اندیشه‌های خود بازنگری کردند. این بازنگری، زیر فشارهای اجتماعی صورت گرفت و به سوسیال لیبرالیسم انجامید. این دوران با بروز انقلابهای صنعتی و گسترش روابط صنعتی در سده نوزدهم فرارسید. از ویژگیهای این دوران، گسترش مناسبات صنعتی و پیدایش طبقه جدید کارگران صنعتی بود. توسعه صنعتی، دگرگونیهای ژرفی در بافت اجتماعی جامعه مدرن پدید آورد که با گفتمان لیبرالیسم کلاسیک همخوان با نیازمندیهای بورژوازی تجاری،

● دگرگونی طبیعت که ناشی از فعالیت‌های انسان در چند دهه گذشته است رفته رفته شکل گرفته است. هر چه دگرگونی پرشتاب‌تر باشد، اثرش ژرفتر است. بسیاری از ویژگیهای محیط طبیعی با خطر روبه‌روست. بی‌گمان رابطه انسان با طبیعت دگرگون می‌شود، اما آنچه اکنون ضرورت دارد دگرگونی هدفمند و تنظیم شده بر پایه برنامه‌ای سنجیده و سرچشمه گرفته از آرمانهای والای انسانی است.

لیبرالها هر گونه طرح و برنامه‌ریزی برای جامعه، مذهب، آرمانگرایی یا نژاد و قومیت را رد می‌کنند. از دید آنان جامعه و دولت نباید هدفهایی ثابت و مشخص داشته باشند چون حاصل جبری آن با برنامه‌ریزی یکی خواهد بود. ([http:// web. .](http://web.inter.nl.net) <http://web.inter.nl.net>) البته لیبرالها بویژه لیبرالهای کلاسیک به کوچکترین اندازه دولت نظر دارند و دخالت دولت را مانعی در راه تحقق آزادیهای فردی می‌دانند ولی لیبرالهای مدرن (تجدید نظر طلب) به دخالت دولت در پاره‌ای زمینه‌ها مانند رفاه اجتماعی و دفاع و امنیت داخلی معتقدند و آن را محدود کننده آزادیهای فردی نمی‌دانند و قانون را معیار رفتار حکومتها می‌شمارند. (ر. ک. به آر بلاستر، ۱۳۶۷)

۴- آثار اندیشه‌های لیبرالیستی چ در فضای شهری

لیبرالیسم در اصل، اندیشه‌ای شهری است زیرا شهر مرکز اجتماع و حوزه‌های انتخاباتی بوده و این دو محرکی برای اصلاحات سیاسی است. (Christopher' klemek; 2004,p5)

لیبرالیسم سه دوره تحول را پشت سر گذاشته است (که پیش از این گفته شد) و آثار هر یک از این سه دوره را در شهر می‌توان جداگانه بررسی کرد. البته آثار این سه دوره در کشورها، بسته به میزان پابندی آنها به ارزشهای لیبرالیسم متفاوت بوده و از این رو اثر ارزشهای لیبرالیسم بر شهرهای این کشورها نیز در دوره‌های گوناگون یکسان نبوده است. این سه دوره از نظر فکری و زیربنای اعتقادی تفاوت‌های زیادی با هم دارند ولی لیبرالیسم همان لیبرالیسم است که بسته به نیاز زمان، تغییر و تحول یافته است.

۱-۴ اثر لیبرالیسم بر معماری شهری

لیبرالیسم در طراحی و معماری هدفی جز سادگی شکوهمند، یکدستی و همخوانی اجزاء در قالبی از زیبایی به دقت نظارت شده نداشت. پلانها و چشم‌اندازها، زیر سیطره مهندسی دقیق محورها و قرینه‌سازها بود. اصول آرگانیک دوران «باروک» که از راه بازی و اثر متقابل اجزای مستقل به وحدت و یگانگی می‌رسید یکبارہ جای خود را به نظامی داد

توزیعی از سوی دولت، بر پایه نظریه‌های اقتصادی دولت‌گرایانه کینز، بورج و آبالر ناکارآمد و زیانبار اعلام شد. تأکید اقتصاد رفاهی بر حفظ تقاضای مؤثر و افزایش قدرت خرید عمومی، جای خود را در اقتصاد نولیبرالی به اهمیت کارایی اقتصادی، تشویق عرضه و مهار کردن تورم داد. موج جهانی تعدیل اقتصادی و گسترش اقتصاد بازاری، همراه با شعارهای آزادسازی، مقررات زدایی و خصوصی‌سازی، گرایشهای اجتماعی و سیاسی چپ و میانه (سوسیالیسم، سوسیال دموکراسی، سوسیال لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی) را در سرتاسر جهان به انزوا کشاند. جهانی شدن سرمایه و گسترش اقتصاد آزاد در پرتو لیبرالیسم نو و تضعیف نظارت‌های اجتماعی و دولتی بر عملکرد سرمایه (بویژه با پیروزی تاجریسم و دیگر جریانهای راست نو در اروپا و ریگانیسم در آمریکای شمالی) همراه با تک‌قطبی شدن نظام سیاسی بین‌المللی به رهبری ایالات متحده، به گسترش گرایشهای اجتماعی و سیاسی نو محافظه کارانه در جهان انجامید و نظام سرمایه‌داری جهانی را برای مدتی از چالشهای انتقادی رادیکال و میانه برکنار داشت.

هر چند لیبرالیسم نو دنباله لیبرالیسم بود، ولی در رویکردی سامردن و پسالیبرالیستی، به سبب گسست تاریخی و معرفتی از مبانی نظری و دستاوردهای سیاسی و اجتماعی سنت خردباوری روشنگری و نفی فراگیر ویژگی انتقادی و رهایی‌بخش خرد مندرج در مدرنیته، و بی‌اعتمادی کامل به ایده پیشرفت و بهر روزی انسان، «محافظه کاری» انجامید. (گری، ۱۳۸۱، مقدمه مترجم)

لیبرالیسم نو از سال ۱۹۸۰ تعدیل شد و تا سال ۱۹۹۰ ادامه یافت و پس از فروپاشی شوروی، نولیبرالیسم غربی بارهبری آمریکا در نهادهای جهانی، متمرکز شد. (Bob jessop;p9) از آن پس، اثرگذاری این ایده در سطح جهانی بوده است. برای نمونه، در آمریکای لاتین، جهانی‌سازی نقش مهمی در گسترش لیبرالیسم نو داشته است. ر. ک. به (Nina laurie and simon marvin;2003'p5)

● نخستین سرچشمه‌های لیبرالیسم، در مقام یک جنبش، در دوران رنسانس و اصلاح طلبی پروتستانی و در انقلاب علمی جوشید. اما آنچه با سربر آوردن لیبرالیسم پیوند نزدیک داشت، انقلاب علمی در سده‌های ۱۶ و ۱۷ بود. انقلاب علمی روشن ساخت که جهان دستگاهی است که قوانینی کلی، خودکار و تغییرناپذیر آن را می‌گردانند؛ قوانینی که بی‌خطا و اشتباه بوده و یکنواخت عمل می‌کنند.

محدود بودن دخالت دولت در امور افراد دو قشر دارا (اقلیت) و تهیدست (اکثریت) پدید آمد و در سده ۱۹، ابعادی تازه از مشکلات شهر صنعتی آتش بحران شهری را تیزتر کرد. از آغاز این سده، پیام اقتصاد آزاد در زبان شهر، کمابیش چنین بود: «بگذار هر که می خواهد، با زمین بازی، افزایش بهای زمین و اجاره‌ها را به دست گیرد». از این رو در سراسر سده ۱۹ آثار زمین بازی به صورت ویرانی و از هم پاشیدن محیط زندگی انسانها نمود یافت. صاحبان درآمدهای هنگفت به محله‌های مسکونی گران بها کوچ کردند و طبقات کم درآمد و کارگران را وا گذاشتند تا در محله‌های شلوغ مرکزی یا کناری شهر گرد آیند. (پاراحمدی، ۱۳۷۸، صص ۱۰۴-۱۰۳)

در سایه دخالت اندک دولت، کارخانه‌ها رودخانه‌ها را ساخت آلوده می کردند و آلودگی‌ها و خانه‌های غیر بهداشتی و بیماری‌زا، توده‌های انبوهی را در خود جای می داد؛ چنان که در سال ۱۸۴۵، یک امریکایی پس از دیدن شهرهای انگلیس گفت: «هر روزی که زندگی می کنم به درگاه خداوند شکر می گذارم که در انگلستان یک فرد فقیر خانواده دار نیستم.» (شکویی، ۱۳۷۳، صص ۱۷۱-۱۷۰) لیبرالیسم در بیشتر موارد بر نگرنداری وضع موجود تأکید می کند. تأکید بر وضع موجود، شرایط اجتماعی و حتی دامنه فیزیکی شهر را در وضعی که هست پابرجا می کند. نمونه آن، محله «هارلم» نیویورک است که هر سال همان جهنم سال پیش است و هیچ تغییری نمی کند. در عمل، منطقه بندی به سود شماری اندک از شهروندان تمام می شود و منطقه بندی داخلی شهرها تنها در خدمت کسانی قرار می گیرد که بر سیاست منطقه بندی قدرت نفوذ بیشتری دارند. (شکویی، ۱۳۷۳، صص ۲۵۰-۲۴۹)

جغرافیدانان لیبرال، به پوزیتیویسم منطقی و روشهای کمی اعتقاد داشتند. اثر این تحقیقات کمی، بر این نکته استوار بود که شهر نمونه بخشی از یک سازمان و دستگاه مطلوب اقتصادی شناخته شود و این فکر تثبیت شود که در نظام اقتصادی، افراد و تصمیم گیرندگان تلاش می کنند محل کارخانه‌ها، اداره‌ها، واحدهای مسکونی، مدارس و

که در آن، واحدهای منفرد و مستقل فقط در کنار هم چیده می شدند؛ روشن و مشخص بودن، ویژگی بخش فضاها، داخلی و خارجی ساختمان بود؛ شکل و سازه، اصول فردگرایانه و منطقی را می نمود؛ ردیف ستونها کار کرد سازه‌ای محض داشت؛ تزئینات به گونه محدود به کار می رفت و حتی در بیشتر موارد یکسره کنار گذاشته می شد؛ سادگی و عنصری بودن از ویژگیهای معماری آن دوران و بیشتر بناها شیشه‌ای و آهنی بود. (هانیا گولامیونینی، ۱۳۸۱ ص ۲)

لیبرالها در معماری نیز متأثر از افکار فلسفی خود بودند، چنان که «رایت» مانند لیبرالهای سده ۱۸ که نظام سیاسی خود را از جهت منفی توصیف کرده و آن را آزادی از نظام کهن و قوانین محدودکننده می خواندند، درباره معماری خود بیشتر، از نفعی عوامل و رها ساختن معماری از بند قوانین تحمیلی بیرونی و از هرگونه معیار تجارتي یا آکادمیک که زندگی را به صلیب کشد سخن گفته است. (بنه‌ولو، ۱۳۷۸، ص ۳۸۶)

بیروان فلسفه روشنگری در سده ۱۸ بر آن بودند که همه سازمانها و نهادهای موروثی و کهن را با دیدی منطقی بسنجند. آنان با منطبق ساختن روح منطقی با فرهنگ معماری و با تجزیه و تحلیل عینی مصالح معماری موجود و بررسی منابع تاریخی، یعنی معماری باستانی و معماری در دوران رنسانس، به شیوه‌های کهن پایان دادند. برای نمونه، تحول معماری سده‌های ۱۴ و ۱۵ در فرانسه یادگرگونی معماری «باروک» رم در سال ۱۷۳۰ و زمان کلمنت دوازدهم را در نظر می گیریم. در این تحول، توجه به مفاهیم مذهبی نمایانتر و کنترل منطقی بر طرح پروژه‌ها مشهودتر و نظام مندتر شده است و تمایل به تجزیه و تحلیل همه بخشهای یک ساختمان، اصول معماری «باروک» را که تا آن زمان پذیرفته شده بود به کمترین مقدار خود کاهش می دهد و معماران ترجیح می دهند اصول و قوانین نماسازی را نادیده گیرند و استخوان بندی ستونها و سرستونها را در معرض دید قرار دهند. (لئوناردو، ۱۳۵۳ ص ۱۶)

۲-۴ اثر لیبرالیسم کلاسیک بر شهر و برنامه ریزی شهری:

● لیبرالیسم در واکنش مثبت به ضرورت‌های برآمده از رشد روابط صنعتی در جامعه مدرن، از نیمه سده نوزدهم، بازسازی شد. در این بازسازی، شعارهای دموکراتیک، برابری خواهانه و عدالت جویانه، با تأکید بر مفهوم مثبت آزادی و مسئولیت اجتماعی فرد، درونمایه گفتمان لیبرالیسم اجتماعی (سوسیال لیبرالیسم) شد.

● از دهه ۱۹۷۰، با آغاز رکود تورمی پس از چند دهه رشد اقتصاد رفاهی در جوامع سرمایه‌داری، کار کرد اقتصادی لیبرالیسم اجتماعی و سرمایه‌داری دولتی بعنوان عامل رکود و کاهش کارایی و بازدهی اقتصادی و نوآوری در تولید، به باد انتقاد گرفته شد و دخالت دولت در پهنه‌های اقتصادی و اجتماعی، مالکیت و مدیریت اقتصادی دولتی بر واحدهای تولیدی، برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی و اجرای سیاست‌های اجتماعی رفاهی به منظور تأمین برابری و عدالت توزیعی از سوی دولت، بر پایه نظریه‌های اقتصادی دولت‌گرایانه کینز، بورویچ و آبالرنر ناکارآمد و زیانبار اعلام شد.

در آرایش مادر شهرهای سده ۱۹، که محور اصلی اقتصاد سرمایه‌داری شمرده می‌شدند جلوه می‌یافت و بدین سان، اصلاح طلبان در پایان سده ۱۹، شهر و ماشین را با یکدیگر برابر می‌شناختند. آنان پیدایش جمعیت شهری ناشی از تولیدات صنعتی را شاهد بودند و به ویژه وضع ناخوشایند میلیون‌ها کارگر فقیر گرفتار در دام محله‌های آلوده و شلوغ و بیکوری را در نظر داشتند. از این رو به نفعی خود شهر پرداختند. آنان زوال منطبق را در ذات مادر شهر احساس کردند و این شهر را بی‌چون و چرا اهریمن شناختند. اما چیزی از ظهور مادر شهر نگذشته بود که بسیاری از فعالان سیاسی، اصلاح طلبان و بشر دوستان روشن ضمیر با این شعار که «بی‌نظمی به سوی نقطه مقابل خود یعنی نظم برمی‌گردد»، به فروش آمدند و با نشان دادن واکنش نسبت به شرایط تازه زندگی شهری، به بازگرداندن نظم به شهر فراموش شده همت گماشتند. (یاراحمدی، ۱۳۷۸، صص ۱۰۴-۱۰۳)

هر یک از گروه‌های اجتماعی، پایه‌گذار چیزی تازه در شهرسازی شدند. گروه‌های آنارشیست برای ایجاد جامعه‌ای محدود و خودکفا دور از شهر تلاش می‌کردند که بعدها زمینه فکری آنها سبب پیدایش شهرک‌های تازه در انگلستان شد. اصلاح طلبان به نگهداری شرایط موجود نظر داشتند به این شرط که دولتها شرایط درمائی، بهداشتی و خانه‌سازی قابل قبولی برای مردمان فراهم آورند. اهداف برنامه‌ریزی شهری در جهان سوم از اندیشه‌های اصلاحی در مورد نخستین شهرهای صنعتی ریشه گرفته است. (شکویی، ۱۳۷۲، صص ۱۷۲)

در دوران لیبرالیسم کلاسیک، لیبرالها به فردیت و آزادی منفی باور داشتند و مخالف دخالت دولت و اتحادیه‌ها بودند و اتحادیه‌ها را رد می‌کردند؛ اما سرانجام اتحادیه‌ها حق خود را گرفتند و دولتهای رفاهی در پاسخ به مشکلات پدید آمده و اعتراضات ناشی از این مشکلات بر سر کار آمدند و سرانجام بخش بزرگی از جمعیت از شرایط رفاهی برخوردار شدند. برعکس دوران کلاسیک که بیشتر شهرنشینان تهی‌دست و شمار اندکی دارا بودند، در این دوران بخش بزرگ جامعه شهری از

پارک‌ها را با توجه به امتیازات اقتصادی تعیین کنند؛ آنچنان که فضاهای جغرافیایی این امر را روشن می‌سازد. در این دیدگاه واقعیت‌های روزانه شهری نادیده گرفته و تصویر واقعی شهر فراموش می‌شود؛ چنانکه شناخت الگو و چگونگی مالکیت کارخانه‌ها، شرکتها، احساس افراد از شهرشان، محیط زیست شهری، اندازه قدرت سیاسی شهروندان در عملکردهای شهری، میزان برآورده شدن تقاضاها و نیازهایشان، میزان قدرت گروهها و افراد گوناگون در انجمنها و سازمانهای شهری، روابط سازمانهای دولتی با دولت مرکزی، تبعیض‌های قومی و موانع فرهنگی و تفاوت‌های موجود میان شیوه زندگی گروههای اجتماعی و فرهنگی، همه و همه در بررسیها و تحلیلهای فراموش شده است. به سخن دیگر، تمام مسائل انسان شهری در داخل روشهای کمیّتی پوزیتیویستی (جعبه سیاه) پنهان شده است. روشن است که این مکتب جغرافیایی یا «جبر هندسی» افراد را از رسیدن به حقوقشان باز می‌دارد.

(شکویی، ۱۳۷۳، صص ۵۶-۵۷)

۳-۴ لیبرالیسم کلاسیک و شهرسازی

لیبرالها در مکان‌گزینی شهرها، تندرستی انسان را در رأس دیگر عوامل شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری قرار می‌دهند و معتقدند که شهر نباید تنها چشم‌اندازی کلیسایی و تقدس‌مآبانه در برابر دیدگان شهروندان بگذارد بلکه باید به زیباییهای شهری و شوق زندگی در شهرها نیز اندیشید.

(شکویی، ۱۳۷۳، صص ۱۵۸)

۴-۴ اثر لیبرالیسم اجتماعی بر شهر و برنامه‌ریزی شهری

در حقیقت شرایط درناک زندگی در سکو تنگ‌گاه‌های کارگری بود که وجدان سخنگویان نام‌آور را بیدار کرد و آنان را واداشت تا نشانه‌های فیزیکی و اجتماعی شهر مدرن را زیر پرش ببرند. به هر رو این اعتراضات با پیشنهاد الگوی شهر آینده همراه نشد و ولی راه‌برای این امر هموار کرد. همراه با این مصلحان اجتماعی، معماران نیز برای ایجاد تغییرات اصولی در شهر کوشیدند. پیش‌بینی‌های «پیرانزی» از شهر بورژوا و عنوان «ماشین محتوا» که به شکل شهر آینده داده شده بود،

طبقه میانه بود.

بعنوان هدف نمی تواند بی تکیه بر ابزارها تحقق یابد. با وجود این، بیشتر نویسندگان بر آنند که رسیدن به هدفهای عادلانه با کاربرد ابزارهای ناعادلانه انتظاری بیهوده و ابلهانه است. (هاروی، ۱۳۷۶ ص ۱۱۰)

۴-۵ اثر لیبرالیسم اجتماعی و شهرسازی

در دوران کلاسیک چون صنعت به سود یک گروه اقلیت بود که احساس مسئولیت اجتماعی نداشتند، شهرسازان در دوران لیبرالیسم اجتماعی همه مشکلات را به گردن صنعت انداختند و طرحهای باغشهر و دیگر طرحهای آرمانی همانند آن را در راستای فرار از شهر صنعتی بی برنامه به میان کشیدند.

۴-۶ اثر لیبرالیسم نو بر شهر و شهرسازی

لیبرالیسم نو یک نیروی سیاسی ملی است که در واکنش به دولت رفاهی سربر آورده است؛ بویژه که دولت رفاهی که با نیروی کار متحد و بوروکراسی، نیرویی ساختاری را تشکیل می داد، متهم به نابود کردن نظام بازار شده بود.

در چارچوب این برداشت، برنامه ریزی مترادف با ناکارآمدی، نظام مندی، کنترل و هزینه سنگین شمرده می شود؛ (Albert, 1991) همچنین مانعی است بر سر راه تحقق آزادیهای شخصی و کارکرد اقتصاد بازار آزاد. در چنین زمینه ای بزرگترین مدیران شهری، تنها عاملی هستند برای هماهنگی شماری از سازمانها و کارگزارها، آنها، بدون برنامه ریزی، در جامعه ای که سخت پیچیده و تکه تکه شده است. (Verna, 1995, p.335) در چنین زمانی که مقررات زدایی و پایبندی به نیروی خود به خود بازار استراتژی بزرگ نولیبراهاست، در مدیریت نواحی شهری مسئولیتها به گونه فزاینده در میان سازمانهای گوناگون توزیع می شود. (Enrico' corubolo; 1998' p.10)

پیروان لیبرالیسم نو که پست مدرنیسم نیز خوانده می شود، شهرها را در چارچوب مفاهیمی چون خوشه های شهری، جابه جایی جمعیت و مسکن بررسی و از طرحهای مدرن به سبب یکتاختی و بی هویتی کالبدی آنها انتقاد می کنند. در دیگر طرحهای این گروه، به توپوگرافی و زنده

لیبرالیسم رفاهی به اقتصاد بازار با مالکیت خصوصی نظر دارد اما کنترل و محدودیت آن را برای جلوگیری از آثار زیان بخش سرمایه داری مهار نشده، لازم می داند؛ یعنی در جهت تأمین نیازهای بازندگان در جامعه حرکت می کند.

از دید لیبرالیسم رفاهی، برنامه ریزی، مالیات بندی در مورد صنایع و آلوده سازها، تأمین رفاه عمومی، پرداخت هزینه لازم برای سالم سازی محیطهای جغرافیایی، همچنین آموزشهای محیطی و... همگی راه را برای دخالت دولتها باز می کند، اما این دخالت باید به اندازه ای باشد که بازار آزاد آن را لازم می شمارد. (شکویی، ۱۳۸۲، ص ۶۷)

در این دوران لیبرالها وارد دو گاه سوسیالیستها می شوند و با اثرپذیری از اندیشه های سوسیالیستی، گسترش شهر و مسائل آن را بررسی می کنند، آنان با طرح این پرسش که در شهرهای امروزی، چه چیزی به دست می آورد، توزیع درآمد در شهرها، میزان دسترسی شهروندان به خدمات عمومی و خصوصی و کالاها، اوضاع محیط زندگی، عوامل مؤثر بر درآمد خانواده ها، چگونگی زندگی مردمان در محله ها و مناطق داخلی شهرها را بررسی می کنند و شاخصهای اجتماعی را در شناخت میزان رفاه اجتماعی خانواده ها به گونه علمی به کار می گیرند. همچنین، به بررسی بن مایه نابرابریها می پردازند و به پویشهای سیاسی در شهرها آگاهی می یابند. در این دوران برای رفاه اجتماعی شهروندان، درباره مکان گزینی خدمات عمومی مانند مدارس، بیمارستانها، درمانگاهها و محله های گنجان اوقات فراغت تحقیقات ارزشمندی انجام می گیرد. لیبرالها در پی رفاهی اجتماعی بودند که برای دلخواه ساختن نظام، اندک اندک به اجرا درآید. این اندیشه ها در جناح چپ لیبرالها مطرح می شد. (شکویی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۵)

از دید لیبرالها، برای توزیع عادلانه کالاها و خدمات در شهرها هیچ کاری نباید صورت گیرد زیرا دست نامرئی بازار به خودی خود مکانیسمهای اقتصادی را کنترل و متعادل خواهد کرد؛ ولی بیشتر چنین فرض می شود که عدالت اجتماعی

● پیروان فلسفه روشنگری در سده ۱۸ بر آن بودند که همه سازمانها و نهادهای موروثی و کهن را با دیدی منطقی بسنجند. آنان با منطبق ساختن روح منطقی با فرهنگ معماری و با تجزیه و تحلیل عینی مصالح معماری موجود و بررسی منابع تاریخی، یعنی معماری باستانی و معماری در دوران رنسانس، به شیوه های کهن پایان دادند.

● لیبرالیسم در بیشتر موارد بر نگهداری وضع موجود تأکید می‌کند. تأکید بر وضع موجود، شرایط اجتماعی و حتی دامنه فیزیکی شهر را در وضعی که هست پابرجا می‌کند. نمونه آن، محله «هارلم» نیویورک است که هر سال همان جهنم سال پیش است و هیچ تغییری نمی‌کند. در عمل، منطقه‌بندی به سود شماری اندک از شهروندان تمام می‌شود و منطقه‌بندی داخلی شهرها تنها در خدمت کسانی قرار می‌گیرد که بر سیاست منطقه‌بندی قدرت نفوذ بیشتری دارند.

- تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
۱۲. مانیا، گولامیونایی ویتوریو. معماری و شهرسازی در قرن بیستم. ترجمه لادن اعتضادی. تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۱۳. مجموعه مقالات تکنولوژی و بحران محیط زیست. ترجمه غلامحسین آذرننگ. تهران، سپهر، ۱۳۶۴.
۱۴. مکنزی، یان و دیگران. مقدمه‌ای بر ایدئولوژیهای سیاسی. ترجمه م. قائد. تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵.
۱۵. میلر، جی. تی. زیستن در محیط زیست. ترجمه مجید مخلوم. چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۱۶. نکوروح، محمود. بحران ایدئولوژی. تهران، چاپخش، ۱۳۷۲.
۱۷. وینست، اندرو. ایدئولوژیهای مدرن سیاسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران، ققنوس، ۱۳۷۸.
۱۸. هاروی، دیوید. عدالت اجتماعی و شهر. ترجمه فرخ حسامیان (و دیگران). تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۶.
۱۹. یاراحمدی، امیر. بسوی شهرهای انسانی‌گرا. تهران، شهرداری تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۸.
- منابع انگلیسی:

20. Bob Jessop. Recent societal and urban change: principles of periodization and views ... Lancaster, Lancaster University.
21. Christopher Klemek. Urbanism as reform: modernist planning and the crisis of urban liberalism in Europe and North America 1945-1975 University of Pennsylvania for the degree of Doctor of philosophy, 2004.
22. Enrico Corubolo. Urban management and social justice' University College of London. 1998.
23. Nina Laurie and Simon Marvin. Globalisation'neo-liberalism negotiated development in the Andes: water projects and regional identity in Cochabamba, Bolivia, Department of Geography, New Castel University, 2003
24. [http:// web. inter. nl. net/ users/ Paul. Treanor/ neoliberalism. html](http://web.inter.nl.net/users/Paul.Treanor/neoliberalism.html). 'Neoliberalism: origins, theory.
25. [http:// web. inter. nl. net/ users/ Paul. Treanor/ lib. interacting. html](http://web.inter.nl.net/users/Paul.Treanor/lib.interacting.html). Published in Politics, 16(2), 1996, pp. 121-120

کردن بافتهای موجود شهرها توجهی ویژه شده است. (زیاری، ۱۳۷۸، ص ۱۲)

دریست مدرنیسم اندیشه‌ها، فرهنگها و ارزشها درهم می‌آمیزد؛ بنابراین موزائیکهای قومی از شهرها رخت برمی‌بندد. سبک معماری در این دوران در پاره‌ای موارد تریینی می‌شود و رنگ تقلید از میدانهای سده‌های میانه و دهکده‌های ماهیگیری به خود می‌گیرد و با این همه، در درون شهرها، معماری با تأکید بر برنامه‌ریزی و توسعه، اندازه‌های بزرگ، فردگرایی تکنولوژیک، کارآمدی و سبکی التقاطی پیش می‌رود. (شکویی، ۱۳۷۵، صص ۱۴۰-۱۳۷)

منابع و ماخذ:

۱. آریلاستر، آنتونی. ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، برگردان عباس مخبر. تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۷.
۲. آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی. انسان، جامعه، و محیط زیست. ترجمه صلاح‌الدین محلاتی. تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲.
۳. ادوارد، بوتفوق؛ آشتی انسان و طبیعت. ترجمه صلاح‌الدین محلاتی. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۴. بنه‌ولو، لئوناردو. تاریخ معماری مدرن. ترجمه سیروس باور. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳. چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۵. تومه، ژرژ. توسعه فرهنگی و محیط زیست. ترجمه محمود شارعبور. تهران، باز، ۱۳۸۰.
۶. زیاری، کرامت‌الله. برنامه‌ریزی شهرهای جدید. تهران، سمت، ۱۳۷۸.
۷. شاپرو، جان سالوین. لیبرالیسم معنا و تاریخ آن، مترجم محمد سعید حنایی کاشانی. تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۸. شکویی، حسین. دیدگاههای نو در جغرافیای شهری. ج ۱. تهران، سمت، ۱۳۷۳.
۹. شکویی، حسین. اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. ج ۱۰. تهران، گیتاشناسی، ۱۳۷۵.
۱۰. شکویی، حسین. اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. ج ۲: فلسفه‌های محیطی و مکتبهای جغرافیایی. تهران، گیتاشناسی، ۱۳۸۲.
۱۱. گری، جان. لیبرالیسم. ترجمه محمد ساوجی.